

الزامات پژوهشی پلیس زن برای مبارزه با موادمخدر و روان گردان

دکتر فریبا شایگان^۱

تاریخ دریافت: ۸۹/۱۱/۷

تاریخ پذیرش: ۹۰/۱/۱۷

چکیده

با افزایش تعداد زنان معتاد به ویژه معتاد به موادمخدر و روان گردان و صنعتی و نیز ورود زنان به عرصه قاچاق و توزیع موادمخدر ضرورت ورود زنان پلیس به عرصه مبارزه با موادمخدر بیش از پیش گردیده و به نظر می رسد مسئولین باید در خصوص چگونگی ورود زنان به عرصه و حیطة وظیفه و مسئولیت آنان تصمیم گیری کنند. یکی از بهترین روش ها برای تصمیم گیری تکیه بر تحقیقات و پژوهش هاست. این مقاله با هدف بررسی زمینه های مورد نیاز تحقیق برای شناخت صحیح مسئولین و تصمیم گیری درست آن ها از دو شیوه بهره گرفت؛ ابتدا شناخت زمینه های مورد نیاز تصمیم گیری که از روش زمینه یابی از نخبگان نظرات ۲۰ نفر از کارشناسان پژوهشی دانشگاه کسب شد و در مرحله بعد با مراجعه به دو مرکز (دانشگاه علوم انتظامی و ستاد مبارزه با موادمخدر) و مطالعه تحقیقات و پایان نامه های آنان به شیوه "بررسی ترکیبی پژوهش ها" به بررسی ۱۳۲۰ تحقیق و پایان نامه موجود در این زمینه پرداخت که از کل آن ها ۳۳ مورد به نحوی با موضوع تحقیق مرتبط بود. این ۳۳ مورد هم فقط در خصوص شیوه مبارزه با موادمخدر و شناخت زنان معتاد اطلاعات لازم را به مسئولین می داد و سایر زمینه های مورد نیاز تحقیق در خصوص چگونگی ورود

۱. هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی

زنان پلیس به عرصه موادمخدر بی جواب مانده و نیازمند انجام تحقیقات جدید است. کلمات کلیدی: پلیس زن، موادمخدر، پژوهش، زنان معتاد، ستاد مبارزه با موادمخدر، روش های تصمیم گیری

طرح مسئله

امروزه موادمخدر و روان گردان یکی از مهمترین مسائل جهان است و به دلیل مشکلات و آسیب هایی که برای جوامع ایجاد می کنند عامل یکی از بحران های اصلی دنیای کنونی به حساب می آیند. آمارها نشان می دهند که ۲۱۸ میلیون نفر معتاد در سطح دنیا وجود دارند و در ایران بیش از دو میلیون نفر مبتلا هستند (اداره کل مطالعات پژوهش های ستاد مبارزه با موادمخدر). به هر حال تقریباً تمامی کشورها از نتایج مخرب و سوء مصرف موادمخدر تأثیر پذیرفته اند. در ایران نیز شاهد آثار تخریبی توزیع و مصرف بی رویه موادمخدر از جمله جرایم، جنایات و خشونت های گوناگون توسط قاچاقچیان و معتادان، از دست رفتن نیروهای فعال و تأثیرات آن بر اقتصاد کشور، فروپاشی کانون خانواده ها و بسیاری آسیب های دیگر هستیم. به دلیل اثرات ناشی از اعتیاد بر جامعه، یکی از وظایف مسئولین تلاش برای از بین بردن این معضل اجتماعی است که این تلاش ها در راستای جلوگیری از ورود موادمخدر به کشور و تولید و توزیع آن، درمان معتادان، مبارزه با قاچاقچیان و تلاش برای پیشگیری از مصرف موادمخدر صورت می گیرد.

یکی از سازمان هایی که به شدت درگیر مبارزه با موادمخدر و روان گردان است و این وظیفه و رسالت برعهده آن است، نیروی انتظامی می باشد. این نیروها با بهره گیری از پلیس متخصص و امکانات و تجهیزات مورد نیاز در تمام عرصه های مبارزه با موادمخدر اعم از ورود، قاچاق، تولید، توزیع و مصرف موادمخدر تلاش می نمایند. مسئله مهمی که چند سالی است خصوصاً با رواج مصرف مواد روان گردان و صنعتی پلیس را درگیر آن کرده است، افزایش تعداد زنان معتاد به مواد روان گردان است. زنان نقش مهم مادری را به عهده دارند و ابتلاء آنان به مواد مخدر کانون خانواده را متلاشی و فرزندان را آسیب پذیر و آماده هرگونه انحرافی می نماید و

از طرفی اعتیاد زنان و نیاز به تأمین موادمخدر آنان را به سمت سایر انحرافات هم می کشاند. در کل ورود زنان به عرصه قاچاق، توزیع و مصرف موادمخدر صدمات بیشتری نسبت به ورود مردان به این عرصه بر جامعه وارد می کند؛ لذا نیروی انتظامی باید با این قشر از افراد هم برخورد کرده و مبارزه نماید و این وظیفه و رسالت به عهده زنان پلیس است. پلیس زن که چند سالی است با هدف ارائه خدمات انتظامی برای زنان و کودکان و مبارزه با زنان بزهکار و حمایت از زنان آسیب دیده وارد عرصه اجتماعی شده است، مسئولیت خطیر مبارزه با زنان قاچاقچی و پیشگیری از اعتیاد زنان را هم به عهده دارد. طبق بیان مسئولین مربوط، زنان پلیس تاکنون در بازرسی بدنی و دستگیری زنانی که به شیوه های مختلف اقدام به حمل و ورود موادمخدر می کنند، اقداماتی را انجام می دادند؛ ولی به دلیل حساسیت موضوع ورود زنان به عرصه موادمخدر و روند رو به افزایش گرایش دختران جوان به استفاده از موادمخدر صنعتی، پلیس زن باید حضور پررنگ تر و همه جانبه تری در این زمینه داشته باشد و لذا باید برای ورود پلیس زن به این عرصه و چگونگی آن، عرصه های ورود، امکانات و تجهیزات مورد نیاز، ویژگی های لازم و آموزش های مورد نیاز آنان تصمیم گیری شود. اگر این تصمیم گیری مبتنی بر تحقیق و بررسی همه جانبه نباشد، ممکن است منجر به اتلاف هزینه و وقت شده و نتیجه معکوسی بدهد؛ لذا لازم است قبل از ورود جدی پلیس زن به عرصه مبارزه با موادمخدر، به صورت علمی و دقیق بررسی های لازم صورت پذیرد. مقاله حاضر در پی بررسی این موضوع به دنبال پاسخگویی به سؤالات زیر است:

چه نیازهای تحقیقاتی برای ورود پلیس زن به عرصه موادمخدر وجود دارد؟

چه تحقیقاتی تا به حال در این زمینه صورت پذیرفته است؟

اهمیت و ضرورت

امر پژوهش به منزله استخوان بندی برنامه های توسعه جوامع بشری به شمار می آید. میزان توجه دولت ها به این امر و بودجه ای که به آن اختصاص داده می شود، از شاخص های اصلی توسعه به شمار می رود. در کشور ما مبحث پژوهش تاکنون جایگاه ارزنده ای در حل مسائل

و مشکلات علمی و اجرایی ندارد و این شاید بدین لحاظ بوده است که هنوز ما نتوانسته‌ایم پل مطمئن و پرجاذبه‌ای میان تحقیقات، دستگاه‌های اجرایی و نیازهای حیاتی کشور برقرار کنیم.

این مقاله با هدف استفاده کاربردی از تحقیقات می‌خواهد خلاءهای موجود اطلاعاتی در خصوص ورود زنان پلیس به عرصه مبارزه با موادمخدر را شناسایی و به مسئولین ارائه دهد تا با شناخت و علم کافی تصمیم‌گیری کرده و گرفتار روش‌های آزمون و خطا نشوند.

تحقیقات پیشین

نه تنها در خصوص نیازهای پژوهشی ورود پلیس زن به عرصه مبارزه با موادمخدر هیچ‌گونه تحقیقی صورت نگرفته است که با بررسی انجام شده در خصوص پلیس مرد هم در این زمینه هیچ‌گونه تحقیقی صورت نپذیرفته است؛ اما تحقیقات زیادی در خصوص موادمخدر انجام شده است که به دلیل تمرکز این مقاله بر تحقیقات انجام شده و بررسی آنها، لذا تمام موارد تحقیقات پیشین در بخش یافته‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

مبانی نظری تحقیق

سازمان‌ها هنگام تدوین، اجرا و ارزیابی استراتژی‌ها؛ طراحی و اجرای ساختار سازمانی؛ مدیریت رفتار سازمانی؛ مدیریت منابع انسانی و توسعه فناوری به‌ویژه ایجاد یک بخش جدید با پرسش‌هایی روبرو می‌شوند که برای پاسخ دادن به آنها، باید به تحقیق بپردازند (ادواردز و دیگران، ۱۳۷۹: ۱-۲).

یکی از علمی‌ترین روش‌ها برای تصمیم‌گیری صحیح در سازمان و حل مشکلات آن، اندیشه و تعقل علمی یا به بیان دیگر انجام تحقیق و پژوهش علمی است. از آنجا که بحث حاضر در خصوص ورود پلیس زن به عرصه مبارزه با موادمخدر و روان‌گردان است و باید در این زمینه تصمیم‌گیری صورت پذیرد؛ لذا برای ورود به این بخش لازم است ابتدا از بحث تصمیم‌گیری و چگونگی فرآیند و انواع آن و نقش تحقیق و پژوهش در این زمینه شروع نماییم.

تصمیم‌گیری و حل مسئله

کلمه تصمیم به معنی قطع کردن می‌باشد و مفهوم عام آن قطعی کردن قصد و نیت و به نتیجه رساندن، قضاوت، حل مسئله می‌باشد، تصمیم‌گیری یک انتخاب است و تصمیم‌گیرنده درباره آنچه که باید یا نباید در موضوع معینی انجام دهد، اقدام به انتخاب می‌کند (Stiner, 1996: 321).

تعاریف گوناگونی از تصمیم‌گیری ارائه شده که عبارت‌اند از: تصمیم‌گیری به فرآیند، تعیین و تشخیص مسئله، یافتن راه‌حل‌های مختلف برای مسئله، مقایسه نتایج ممکن از هر راه‌حل با یکدیگر، انتخاب بهترین جواب از بین آن‌ها و اجرای مؤثر تصمیم اطلاق می‌شود (Agarwal, 1982: 90).

بعضی از نویسندگان معتقدند که تصمیم‌گیری یکی از وظایف مدیر به‌شمار می‌رود، اما برخی معتقدند که با توجه به اینکه تصمیم‌گیری تحت تأثیر کلیه اعمال و افکار مدیران می‌باشد، نمی‌توان آن را وظیفه‌ای اصلی از وظایف مدیر دانست؛ زیرا که مدیر از طریق برنامه‌ریزی و سازمان دادن انتخاب و انتصاب کارکنان، هدایت و رهبری عملیات و کنترل پیشرفت برنامه‌ها و طرح‌ها، دائماً در حال تصمیم‌گیری است (جوادین، ۱۳۸۶: ۲۵۳).

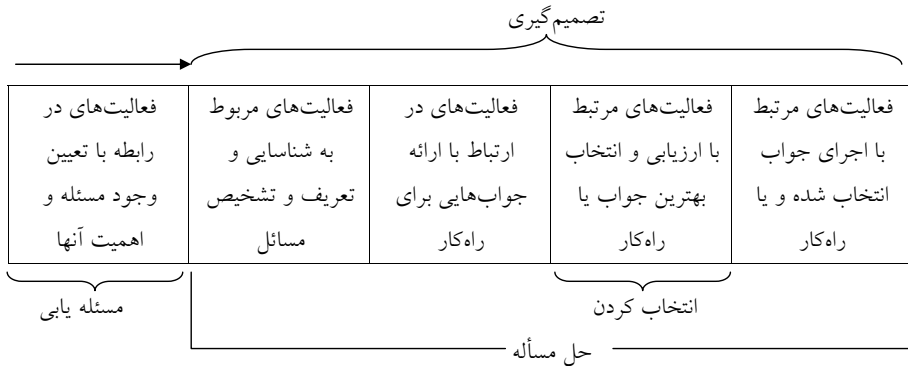
عده‌ای دیگر مانند هربرت سایمون^۱ تصمیم‌گیری را مترادف با مدیریت دانسته‌اند، اما آنچه که مسلم است، این است که یک تئوری کامل تصمیم‌گیری وجود ندارد و اینکه تصمیمات در هر سازمان چگونه اتخاذ می‌شود، برای صاحب‌نظران مشخص نیست. وقتی پرسیده می‌شود فرآیند تصمیم‌گیری را در سازمان توضیح دهید؟ معمولاً گفته می‌شود، تصمیمات بالاترین مقام سازمان است (Murdic & Ross, 1983: 221).

لذا آنچه که مسلم به نظر می‌رسد، مدیر با تصمیم‌گیری‌های مداوم، اهداف، برنامه‌ریزی و راه‌کارها را مشخص می‌نماید. وی به کمک تصمیم‌گیری، راهبردها، سیاست‌ها و رویه‌ها را تعیین می‌کند و تنبیه و تشویق، استخدام، انتقال و یا اخراج کارکنان را انجام می‌دهد (Agarwal, 1982: 95).

1. Herbert simon

برای بررسی بهتر موضوع باید مرز حل مسئله و تصمیم گیری را از هم تفکیک نمائیم. جورج هاببر^۱ می گوید: تصمیم گیری با انتخاب و حل متفاوت است. به نظر وی انتخاب کردن جزئی از تصمیم گیری است که شامل انتخاب یک مورد از چند حق است. حل مسئله حدود انتخاب فعالیت ها را جهت اجرای راه کار و اصلاح شرایط نامطلوب در بر می گیرد، لذا نمی توان حل مسئله و تصمیم گیری را به جای یکدیگر استفاده کنیم. نظرات هاببر در نمودار زیر ارائه شده است:

نمودار تصمیم گیری و حل مسئله (Greenlaw, 1972: 50)



نظریه ایگور آنسف در خصوص تصمیم گیری

اولین کسی که به مفهوم مدیریت راهبردی سازمان اشاره کرد، ایگور آنسف بود. او یکی از وظایف اصلی مدیریت را برنامه ریزی راهبردی سازمان می داند.

قبل از نظریه ایگور آنسف درباره راهبردهای سازمان، تقریباً بسیاری از مدیران تفکر علمی در برنامه ریزی و تصمیم گیری نداشتند و معمولاً مدیران از روش های سنتی برای برنامه ریزی و تصمیم گیری استفاده می کردند. آنها برنامه های آینده را بر اساس تجربیات خود تعیین می کردند. آنسف اولین کسی بود که تئوری راهبردهای سازمانی را مطرح و الگوها، مدل ها، روش ها، نمایه ها و چارچوب های مرتبط با آن را بیان کرد. او در سازمان چهار نوع تصمیم گیری را شناسایی کرد که عبارتند از تصمیم گیری راهبردی، تصمیم گیری خط مشی، تصمیم گیری

1. Gorg Hubber

برنامه‌ای و تصمیم‌گیری عملیاتی استاندارد. این تصمیم‌گیری‌ها به جز تصمیم‌گیری راهبردی، به اقدامات و فعالیت‌های روزمره و عادی سازمان بستگی دارند. بنابراین می‌توان اختیارات مرتبط با این نوع تصمیم‌گیری‌ها را به زیردستان تفویض کرد. درحالی که نمی‌توان اختیارات مربوط به تصمیم‌گیری‌های راهبردی را تفویض کرد. زیرا پدیده‌ها و عوامل متفاوتی وجود دارند که بر آن و محیط تصمیم‌گیری‌ها اثر می‌گذارند و نمی‌توانند نظام‌مند و رویه‌مند و نظام‌پذیر باشند. وی معتقد است برای تصمیم‌گیری‌های راهبردی باید به وضع حاضر و آینده توجه داشت و براساس آن‌ها برای هر کدام راهبرد خاصی تدوین کرد. برای این کار ابتدا باید به عرصه خدماتی وارد شد، سپس دامنه فعالیت را توسعه داد؛ البته با شناختی که از مشتریان، متقاضیان، نیازها و خواست‌های آن‌ها پیدا می‌کنیم (سعدی، ۱۳۸۵: ۲۵۱-۲۵۰).

اتخاذ تصمیم و اطلاعات

کیفیت، کمیت، میزان و زمان‌بندی اطلاعات، برای تصمیم‌گیرنده در مؤثر بودن تصمیم مهم هستند. با نگرشی به کمیت اطلاعات تهیه شده برای تصمیم‌گیرنده‌ها، فرد کم تجربه ممکن است بگوید هر چه اطلاعات منتشره حجم بیشتری داشته باشد، تصمیم بهتری حاصل می‌شود، اما نکات زیر این نظریه را رد می‌کند.

تصمیمات در امور عملی محدودیت زمانی دارند و ارزش اطلاعات بستگی به زمان و در ارتباط با موفقیت‌ها سنجیده می‌شود و هر چه اطلاعات به موقع‌تر و مربوط‌تر باشد، ارزش بیشتری دارد. همچنین کمیت استفاده از اطلاعات به صورت مفاهیم و علائم محدود است. از این رو ممکن است اطلاعات خیلی زیادی به تصمیم‌گیرنده بدهیم، اما نتیجه تصمیم‌گیری او ضعیف‌تر از زمانی که اطلاعات کمتری را دارا بود باشد.

اگر اطلاعات خیلی زود انتقال داده شود، تصمیم‌گیرنده ممکن است آن را فراموش کند یا اطلاعات ارسالی بلااستفاده بماند. انتقال اطلاعات پس از موعد زمان تعیین شده بی‌فایده خواهد بود.

در بیشتر سازمان‌ها به هنگام ارسال اطلاعات به دلیل واهمه از ارسال اطلاعات ناقص یا

غیردقیق به تصمیم‌گیرنده، نوعی نگرانی وجود دارد.

وجود این حالت آنقدر چشمگیر است که تهیه‌کنندگان وقت بسیار زیادی را برای بازرسی‌های مجدد اطلاعات اختصاص می‌دهند.

مطلوب‌تر آن است که بین جمع‌آوری‌کننده و تصمیم‌گیرنده تفاهمی انجام گیرد. اطلاعاتی که صحت آن‌ها تأیید نشده، که به موقع دریافت شوند، بهتر از اطلاعات کاملی است که به دلیل طولانی شدن زمان تهیه، موعدها گذشته و دیگر قابل استفاده نیست.

ارزش اطلاعات برای تصمیم‌گیرنده براساس پول، زمان، مخاطره اقتصادی و ارزیابی اثر آن در تصمیم، برآورد می‌شود. باید این نکته را در نظر داشت که «اطلاعات میزان ارزش یک پیام برای تصمیم‌گیرنده در وضعیتی ویژه است». قبول اطلاعات به مقدار زیاد متأثر از قوه ادراک یا فرآیند «پالایش» دریافت‌کننده است (Murdic & Ross, 1983: 481-483).

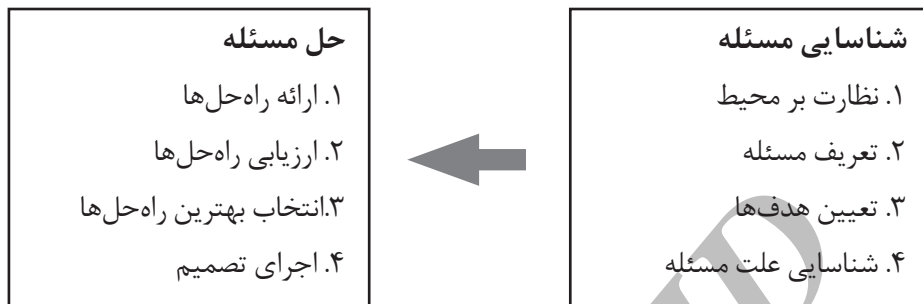
انواع مدل‌های تصمیم‌گیری

مدل‌های متعددی برای پیش‌بینی، تجزیه و تحلیل اقدامات و یافتن راه‌حل مناسب و درنهایت اخذ تصمیم وجود دارد که هر یک از آن‌ها دارای ویژگی‌های خاص خود هستند.

۱. مدل منطقی یا بخردانه تصمیم‌گیری^۱

در مدل منطقی تصمیم‌گیری مسئله به صورت منظم تجزیه و تحلیل می‌شود و مراحل معقول یکی پس از دیگری پشت سر گذاشته می‌شوند، این مدل مانع از اعمال نظر سلیقه‌ای و غیرمنظم مدیر می‌شود.

نمودار زیر مراحل انجام این روش را در دو عنوان شناسایی مسئله و حل مسئله می‌نماید. این مدل در وضعیت اطمینان و رقابتی ضعیف و در نگرش علم‌مدیریت به کار می‌رود (کاظم، ۱۳۸۱: ۳۵).



مدل تصمیم‌گیری عقلانیت نسبی یا عقلانی محدود^۱

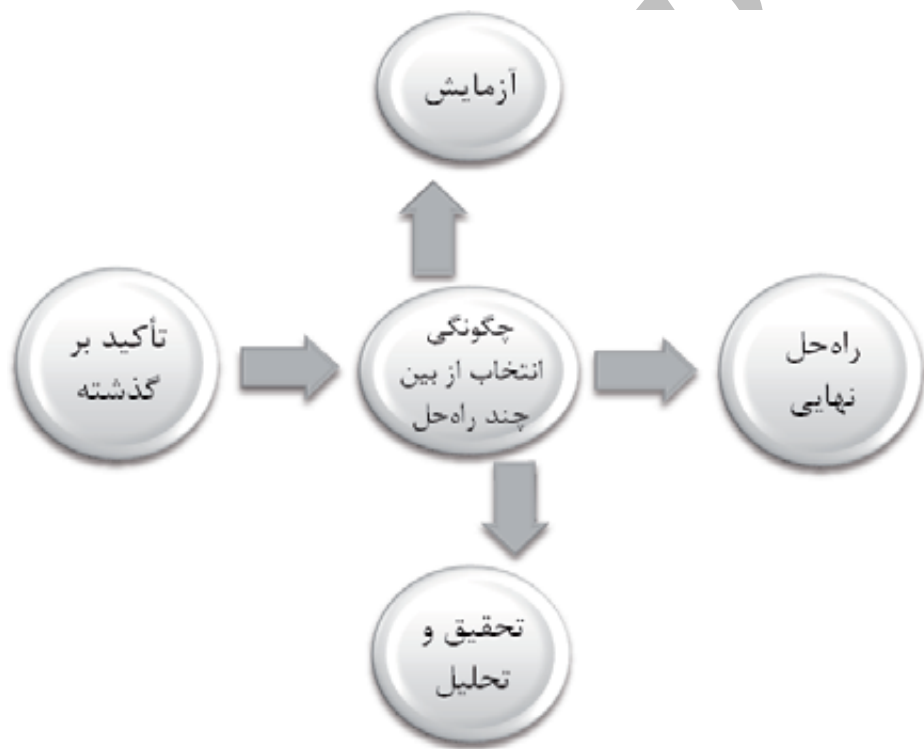
مدل رضایت‌بخش تصمیم‌گیری با عقلانیت نسبی متفاوت است؛ زیرا مدل عقلانیت نسبی به محدودیت‌های طبیعی توانایی انسانی برای اداره وضعیت‌های پیچیده اشاره دارد در حالی که در مدل رضایت‌بخش یک انتخاب عمدی برای محدود کردن تعداد راه‌حل‌های ذهن انسان است، که برای حل مسئله ضرورت دارد. محدودیت‌های عمده‌ای که در روش عقلانی اثر تصمیم‌گیری اثر می‌گذارند عبارتند از: زمان، توان و یا ظرفیت عقلی، ابهام و پیچیدگی زیاد بسیاری از مسائل، شیوه تصمیم‌گیری، فشار کار، احساس عدم اطمینان و اعتماد، بهره‌گیری از فرصت‌ها و مقابله با تهدیدات.

البته در مدل عقلانیت نسبی می‌توان به هنگام ارائه راه‌حل از فرآیندهای شهودی نیز استفاده کرد، چون عواملی مثل انتظاری که فرد از حمایت سایر مدیران دارد، ترس از شکست و نگرش‌های اجتماعی در انتخاب بهترین راه‌حل تأثیر می‌گذارد، از این رو نمی‌توان با یک روش منظم این عوامل را سنجید، زیرا افراد با قضاوت‌های شهودی به انتخاب راه‌حل می‌پردازند و مدیران تصمیم خود را بر اساس آنچه احساس می‌کنند مناسب است، برمی‌گزینند، نه آنچه داده‌ها و اسناد بر آن گواهی می‌دهند (همان: ۳۷).

1. Bounded Rationality Model

مبانی و فنون انتخاب گزینه‌ها در تصمیم‌گیری

مدیران برای انتخاب گزینه مناسب از میان راه‌حل‌ها، سه اصل را برای تصمیم‌گیری مبنا قرار می‌دهند که عبارت‌اند از: تجربه^۱، آزمایش^۲ و تحقیق و تحلیل^۳ که نمودار این مفهوم را نشان می‌دهد.



۱. تجربه

در تصمیم‌گیری بر مبنای تجربه تأکید بر گذشته می‌باشد. افراد با تجربه اعتقاد دارند اموری را که در گذشته انجام داده‌اند و خطاهایی را که مرتکب شده‌اند راهنمای مناسبی برای آینده است در نتیجه هر فردی که تجربه بیشتری داشته باشد، سزاوار کسب پست حساس‌تری است

1. Experience
2. Experimentation
3. Research & analysis

و تجربه بهترین آموزگار شناخته می‌شود. تأکید به این مبنا ممکن است با تبعات نامطلوبی همراه باشد: (کاظم، ۱۳۸۱: ۳۹)

الف) ممکن است فرد از اشتباهات خود عبرت نگرفته باشد.
 ب) ممکن است فرد دلایل واقعی اشتباهات خود را نداند.
 ج) ممکن است تجربه برای مسائل جدید به‌طور کامل نامناسب باشد و مربوط به گذشته باشد. با این اوصاف اگر تجربه به درستی تحلیل شود، ممکن است خالی از فایده نباشد.

۲. آزمایش

در این روش راه‌حل برگزیده در عمل سنجیده می‌شود که روشی زمانبر و پرهزینه می‌باشد و در نهایت ممکن است نتایج نمونه آزمایش در جامعه اصلی تعمیم‌پذیر نباشد. ضمن آنکه بسیاری از گزینه‌ها آزمایش‌پذیر نیست، مانند برنامه‌ریزی برای ساخت یک هواپیمای جدید و سنجش موفقیت آن که مستلزم عرضه آن در محیط واقعی است، اما در برخی از موارد مانند آزمون یک مدیر در یک شغل مدیریتی امکان‌پذیر است (کاظم، ۱۳۸۱: ۴۰).

۳. تحقیق و تحلیل

رایج‌ترین و مؤثرترین فن برای انتخاب گزینه‌ها و راه‌حل‌ها تحقیق و تحلیل است. تحقیق و تحلیل براساس امکان‌پذیری، کیفیت، پذیرش، هزینه‌ها، انعطاف‌پذیری و رعایت مفاهیم اخلاقی راه‌حل انجام می‌شود. بنابراین، به کارگیری این رهیافت شامل تحقیق در مورد روابط بین متغیرها، محدودیت‌ها و فرضیات مهمی است که بر هدف تأثیر دارند، ضمن آنکه حل یک مسئله نیازمند خرد کردن آن به اجزا و متغیرهای ملموس و ناملموس است. به نظر می‌رسد که به کارگیری این فن بسیار ارزان‌تر از آزمایش باشد (همان).

برخی از نتایجی که می‌توان از اجرای فعالیت‌های تحقیق و توسعه، با توجه به اهداف و روش‌های در نظر گرفته شده، انتظار داشت، عبارت‌اند از:

۱. ایجاد فرآیند جدید تولید و خدمات

۲. بهبود کیفیت و بازده فرآیندهای موجود تولید و خدمات
۳. ایجاد روش‌های جدید تولید و خدمات
۴. کاهش هزینه‌های تولید و خدمات
۵. کاهش قیمت تمام شده محصولات
۶. عرضه خدمات‌های جدید و ابتکاری
۷. خودکفایی و استقلال مصرف‌کنندگان از محصولات واردتی و انحصاری خارجی
۸. کاهش ضایعات تولید محصولات
۹. بهبود روش موجود تولید و خدمات
۱۰. بهبود محصولات: تولید محصولاتی بهتر، با درجه خلوص بیشتر، یا کیفیت و کارایی بالاتر
۱۱. تولید و عرضه محصولات جدید و ابتکاری
۱۲. بهبود بازاریابی تولید و خدمات
۱۳. تغییر رفتار مشتری
۱۴. شناسایی بازارهای جدید برای تولید و خدمات
۱۵. ایجاد صنایع جدید و احیای صنایع قدیم
۱۶. سازگاری با محیط
۱۷. و..... (کاظم، ۱۳۸۱: ۴۲).

رسالت دانشگاه در امر تحقیق و پژوهش

از نظر یورگن هابرماس رسالت دانشگاه عبارت است از انتقال دانش از نظر فنی قابل بهره‌برداری؛ یعنی هم باید نیاز جامعه صنعتی به نسل‌های متخصص جدید را برآورده سازند و هم به فکر بازتولید گسترده یا اشاعه امر آموزش در سطح بسیار وسیع باشند. علاوه بر انتقال دانش از نظر فنی قابل بهره‌برداری، دانشگاه‌ها باید به فکر تولید، گسترش و اشاعه چنین دانشی نیز باشند (هابرماس، ۱۳۷۳: ۹۲).

منظور از «دانش از نظر فنی قابل بهره‌برداری» دو مطلب می‌باشد: ۱. جریان و سرریز اطلاعات

از بخش تحقیقات و پژوهش به کانال‌های صنعت، تسلیحات و رفاه اجتماعی است. ۲. دانش مشورتی و اطلاعات نظری که در رابطه با راهبردهای مدیریت، حکومت و دیگر قدرت‌های تصمیم‌گیری نظیر مؤسسات خصوصی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

بدین ترتیب دانشگاه از طریق آموزش و تحقیق در پیوند مستقیم و ارتباط نزدیک با وظایف و کارکردهای فرآیند اقتصادی قرار می‌گیرد.

علاوه بر کارکردهای فوق (یعنی انتقال دانش از نظر فنی قابل بهره‌برداری) سه مسئولیت یا رسالت خطیر دیگر نیاز دارد که عبارتند از:

۱. دانشگاه وظیفه دارد فارغ‌التحصیلان خود را از حداقل ویژگی‌های لازم در حوزه توانایی‌های فوق‌کارکردی برخوردار کند؛ یعنی مسئولیت‌ها و رفتارهایی که در حرفه تخصصی از نظر علمی وجود ندارد؛ ولی برای انجام آن حرفه لازم است؛ مثلاً کسی وکیل یا قاضی می‌شود، علاوه بر دانش لازم برای این حرفه، نیاز به توانایی تصمیم‌گیری یا اقتدار لازم دارند که این از طریق علم و دانش به دست نمی‌آید و دانشگاه باید از طریق الگوی فرآیندهای جامعه‌پذیری این ویژگی‌ها را در افراد به وجود آورد.

۲. انتقال، تبیین و اشاعه سنت فرهنگی جامعه (دانشگاه باید بتواند فرهنگ جامعه را انتقال بدهد)، امروزه علوم هرمنوتیکی در مطالعه و بررسی سنت‌ها نمی‌توانند به باز تولید مداوم سنت‌ها، تکامل یا ایجاد تحول و دگرگونی آن‌ها نپردازند (یعنی ناخواسته به این کار می‌پردازند). برای مثال اگر کرسی ادبیات مدرن آلمان به آثار نویسندگان رادیکال آلمانی اختصاص یابد، خیلی زود تصویر ذهنی استادان یا معلمان از مکتب کلاسیک آلمانی تغییر خواهد کرد.

۳. شکل‌دهی به خودآگاهی سیاسی دانشجویان به نحوی که دانشجویان رشته‌های مختلف بدون هیچگونه فعالیت برنامه‌ریزی شده و بدون هیچگونه آموزش سیاسی، همزمان بر اساس شیوه‌ای سیاسی و کاملاً مؤثر تحت حمایت یک نهاد ظاهراً غیر سیاسی (دانشگاه) آموزش دیدند و این موجب باز تولید ذهنی و شیوه‌های فکری قشر متخصص تعلیم دیده دانشگاهی شد؛ یعنی به نحوی عمل می‌شود که شیوه فکری قشر تحصیل کرده به صورت خاصی درمی‌آیند که از دیگران متمایز است (هابرماس، ۱۳۷۳: ۹۳).

جمع بندی نظری

از آنجا که ورود جدی پلیس زن به عرصه مبارزه با موادمخدر بحث جدیدی است و باید مسئولین مربوط در خصوص چگونگی ورود آنها و عرصه های فعالیت زنان پلیس در این زمینه تصمیم بگیرند، مباحث نظری مرتبط با تصمیم گیری و انواع و شیوه های آن مطرح شد. براساس آنچه آمد تصمیم گیری به فرآیند، تعیین و تشخیص مسئله و یافتن راه حل های مختلف مسئله و انتخاب بهترین شیوه اتلاق می شود. سپس تفاوت تصمیم گیری و حل مسئله مطرح شد و براساس نظرات هابر انتخاب کردن و حل مسئله جزئی از تصمیم گیری به حساب آمد. ایگور آنسف به تصمیم گیری راهبردی اشاره کرد که مدیران نمی توانند اینگونه تصمیم گیری های مهم و راهبردی را به زیردستان تفویض نمایند، زیرا باید بر تمام جوانب آن از جمله نیازها و تقاضاهای مشتریان واقف باشند. براین اساس تصمیم گیری راجع به نحوه ورود پلیس زن به عرصه مبارزه با موادمخدر تصمیم گیری راهبردی است که باید توسط مسئولین درجه اول سازمانی گرفته شود. البته این مسئولین برای تصمیم گیری صحیح نیاز به اطلاعات صحیح دارند و اگر اطلاعات غلط یا اطلاعات دیر هنگام به آنها برسد ممکن است تصمیمات درستی نگیرند. برای رسیدن به اطلاعات صحیح ضمن توصیه اندیشمندان حوزه مدیریت به استفاده از مدل منطقی تصمیم گیری که در آن مسئله به صورت منظم تجزیه و تحلیل می شود و از اعمال نظر سلیقه ای جلوگیری می کند، سه اصل تجربه، آزمایش، تحقیق و تحلیل اشاره شده است. روش تجربه مبتنی بر گذشته است و خیلی قابل بهره برداری در شرایط جدید نیست، روش آزمایش زمانبر، پرهزینه و بعضاً تعمیم ناپذیر است. توصیه می شود که برای تصمیم گیری در خصوص ورود پلیس زن به عرصه مبارزه با موادمخدر و روان گردان از روش تحقیق و پژوهش جهت گردآوری اطلاعات استفاده کنند و با استناد به نظرات ارائه شده در خصوص رسالت دانشگاه، بخش جمع آوری اطلاعات از طریق تحقیق و پژوهش به عهده دانشگاه علوم انتظامی است و باید در زمینه چگونگی ورود پلیس زن به این عرصه، اطلاعات مورد نیاز آنها، توانمندی های دانشی و مهارتی مورد نیاز، ساختار و تجهیزات لازم آنان، اطلاعات لازم را به مدیران بدهد تا تصمیم گیری ها براساس واقعیت باشد. براساس آنچه آمد سؤالات زیر مطرح می شود:

سوالات تحقیق

۱. مدیران برای تصمیم‌گیری در خصوص ورود پلیس زن به عرصه مبارزه با موادمخدر به چه اطلاعاتی نیاز دارند؟
۲. در چه زمینه‌هایی از ورود پلیس زن به عرصه مبارزه با موادمخدر باید تحقیق صورت بگیرد؟
۳. چه تحقیقاتی در این زمینه صورت گرفته و اطلاعات آن موجود است؟
چه خلاءهای تحقیقاتی در این زمینه وجود دارد که باید دانشگاه به آن بپردازد؟

تعریف مفاهیم

تصمیم‌گیری: به فرآیند، تعیین و تشخیص مسئله، یافتن راه‌حل‌های مختلف برای مسئله، مقایسه نتایج ممکن از هر راه‌حل با یکدیگر، انتخاب بهترین جواب از بین آن‌ها و اجرای مؤثر تصمیم اطلاق می‌شود (Agarwal, ۱۹۸۲: ۹۰).

در این مقاله به زمینه‌های مورد نیاز تصمیم‌گیری مدیران در خصوص ورود زنان پلیس به عرصه موادمخدر توجه می‌شود.

تحقیق: کوششی روشمند برای پاسخگویی به مسئله‌های علمی است که منجر به نوآوری و پیشرفت علمی می‌شود (حسینی، ۱۳۸۲: ۲).

در این تحقیق منظور بررسی علمی و نظام‌مند زمینه‌های مورد نیاز به مطالعه برای ورود پلیس زن به عرصه مبارزه با موادمخدر است که به تحقیقات و پایان‌نامه‌های مرتبط با موضوع اشاره دارد.

پلیس زن: زنان شاغل در نیروی انتظامی که با طی دوره‌های آموزش انتظامی درجه نصب کرده و در مشاغل خاص انتظامی مشغول به کار می‌شوند.

موادمخدر و روان‌گردان: دارو یا ماده مخدر در مفهوم کلی آن هر ماده یا ترکیبی از چند ماده شیمیایی است که از جمله مواد مورد نیاز بدن برای بقاء سالم به شمار نرفته و مصرف آن‌ها احتمال تغییری در کاربرد بیولوژیکی و حتی ساخت بیولوژیکی بدن را مطرح می‌سازد. مواد روان‌گردان به دسته‌ای از مواد طبیعی یا ساختگی گفته می‌شود که با تأثیری

که برمغز و سلسله اعصاب انسان می‌گذارند وی را از حالت طبیعی خارج می‌کنند. اثر اصلی این مواد تغییر دادن شناخت و ادراک فرد است (سایت ویکیپدیا). در این مقاله منظور نیازهای پلیس زن در زمینه شناخت موادمخدر، ویژگی‌های معتادان و نحوه مبارزه با ورود، قاچاق و تولید و توزیع موادمخدر می‌باشد.

روش تحقیق

اطلاعات مورد نیاز برای این تحقیق از دو شیوه به‌دست می‌آید: الف) اطلاعات مربوط به نیازهای پژوهشی مدیران برای تصمیم‌گیری ورود زنان به عرصه پلیس زن که از طریق زمینه‌یابی از نخبگان عرصه پژوهش صورت می‌گیرد و ابزار جمع‌آوری اطلاعات است. ب) اطلاعات مربوط به تحقیقات موجود و خلاءهای تحقیقاتی از روش بررسی ترکیبی پژوهش‌ها^۱ صورت می‌پذیرد (کوپر، ۱۳۸۵: ۱۴). بررسی ترکیبی پژوهش‌ها با طرح نتایج کلی مطالعات جداگانه‌ای که فرضیه‌های مرتبط یا همسان را مطرح کرده‌اند، پژوهش‌های انجام شده قبلی را به شکل فشرده بازگو می‌کند. در این روش، بررسی‌کننده امیدوار است که وضعیت یافته‌های علمی مربوطه را ارائه کرده و موضوع‌هایی را که پژوهش‌های قبلی فکری به حال آن‌ها نکرده‌اند مشخص کند. از دیدگاه خواننده، هدف از بررسی ترکیبی پژوهش‌های انجام شده قبلی آن است که «تحقیقات قبلی را که از چشم دور مانده‌اند، در معرض دید قرار دهد» (پرایس، ۱۹۶۵: ۵۱۳) و پژوهش‌های آینده را به مسیری هدایت کند که بیشترین اطلاعات جدید را ارائه دهند. برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز به سایت ستاد مبارزه با موادمخدر و کتابخانه مرکزی دانشگاه علوم انتظامی مراجعه کرده و تحقیقات و پایان‌نامه‌های مربوط مورد بررسی قرار می‌گیرد. برای انتخاب تحقیق یا پایان‌نامه از معیارهای ارتباط موضوعی بهره می‌گیریم؛ یعنی موضوعاتی که مربوط به موادمخدر، موادمخدر و زنان و کودکان، موادمخدر و پلیس، ویژگی‌های

1.. Integrative research review

پلیس برای مبارزه با موادمخدر، ویژگی‌های مصرف‌کنندگان و شیوه‌های قاچاق یا تولید موادمخدر است، ملاک‌های مورد پذیرش تحقیق می‌باشد.

جامعه آماری و حجم نمونه

از آنجا که در این تحقیق فرض بر رسالت دانشگاه در حیطه تحقیق و پژوهش است، در زمینه‌یابی از نخبگان، معاونین پژوهش دانشگاه علوم انتظامی و کارکنان معاونت پژوهش مرتبط با تحقیق که هم نسبت به پژوهش و هم نسبت به پلیس زن اطلاعات مناسبی دارند، مورد مصاحبه قرار می‌گیرند.

در بخش دوم، جامعه آماری کلیه تحقیقات و پایان‌نامه‌های مرتبط با موادمخدر دانشگاه علوم انتظامی و ستاد مبارزه با موادمخدر می‌باشد که موضوعات تمام‌شمار بررسی می‌شود؛ لیکن در بررسی جزئیات تحقیقات نمونه‌گیری صورت می‌گیرد.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات هم با بهره‌گیری از آمارهای توصیفی صورت می‌گیرد. از آنجا که تحقیقات به صورت مکتوب در کتابخانه‌های دانشگاه علوم انتظامی و سایت ستاد مبارزه با موادمخدر موجود است، هر محقق دیگری می‌تواند به آن‌ها مراجعه و نتایج این تحقیق را بدست آورد؛ بنابراین پایایی تحقیق تأمین می‌شود.

یافته‌های تحقیق

پاسخ دو سؤال اول و دوم تحقیق (مدیران به چه اطلاعاتی نیاز دارند و کدامیک از این اطلاعات نیاز به تحقیق دارد) از مسئولین پژوهشی دانشگاه پرسیده شد که نتایج به شرح زیر می‌باشد:

در این بخش کل پاسخگویان ۲۰ نفر بودند که شامل معاونین پژوهش دانشکده‌ها و کارکنان معاونت پژوهش دانشگاه که مرتبط با امر تحقیق بودند و تعدادی از استادان گروه موادمخدر که آمادگی پاسخگویی به سؤالات را داشتند می‌شد.

اولین سؤالی که مطرح شد عبارت بود از: مدیران چه اطلاعاتی نیاز دارند تا بتوانند در خصوص

ورود پلیس زن به عرصه مبارزه با موادمخدر تصمیم گیری کنند. پاسخها به شرح زیر بود:

جدول ۱: اطلاعات مورد نیاز مدیران برای تصمیم گیری در خصوص ورود زنان به عرصه موادمخدر توسط پاسخگویان

ردیف	اطلاعات مورد نیاز	فراوانی	درصد
۱	ویژگی های زنان پلیس (فیزیکی و روانی)	۸	۴۰
۲	ویژگی های قاچاقچیان موادمخدر	۶	۳۰
۳	ویژگی های زنان معتاد	۱۲	۶۰
۴	روش های قاچاق موادمخدر خصوصاً توسط زنان	۲۰	۱۰۰
۵	تعداد زنان معتاد	۵	۲۵
۶	توانمندی های مورد نیاز پلیس زن برای مبارزه	۲۰	۱۰۰
۷	تجهیزات و امکانات مورد نیاز پلیس زن	۱۷	۸۵
۸	آسیب هایی که در این زمینه متوجه پلیس زن می شود	۷	۳۵
۹	زمینه های کمک به زنان معتاد توسط پلیس زن	۳	۱۵

چنانچه جدول فوق نشان می دهد تمامی ۲۰ نفر پاسخگو به روش های قاچاق موادمخدر توسط زنان به عنوان نیاز اطلاعاتی مدیران برای آموزش بهتر پلیس زن اشاره کرده اند و معتقد بودند باید ابتدا شناخت درستی از زنان قاچاقچی موادمخدر و روش های قاچاق آنان (که متفاوت از مردان است) وجود داشته باشد و بر همین اساس باید توانمندی های مورد نیاز پلیس برای ورود به این عرصه را اعم از توانمندی جسمی، روحی و مهارتی شناخت که این مورد هم توسط تمامی پاسخگویان مطرح شده است.

تجهیزات و امکانات مورد نیاز زنان پلیس برای ورود به عرصه مبارزه با موادمخدر از دیگر اطلاعات مورد نیاز مدیران به شمار آمده که توسط ۱۷ نفر از پاسخگویان به آن اشاره شده است. در واقع مدیران و فرماندهان قبل از ورود پلیس زن به این عرصه باید نیازمندی های تجهیزاتی زنان پلیس را شناسایی و در اختیار آنان قرار دهند تا بتوانند در مأموریت های محوله موفق شوند. شناخت ویژگی های زنان معتاد از نظر ۱۲ نفر از پاسخگویان در تصمیم گیری مدیران مؤثر است و باید به آن توجه ویژه ای شود. دیگر موارد ذکر شده توسط پاسخگویان، اطلاع از ویژگی های زنان پلیس که با توجه به این ویژگی ها مأموریت واگذار شود، آسیب هایی که در این مسیر متوجه

پلیس زن خواهد شد (برای پیشگیری از آسیب پذیری ها)، ویژگی های قاچاقچیان موادمخدر، تعداد زنان معتاد و نیز زمینه های کمک به زنان معتاد توسط پلیس زن است که اگر اطلاعات درستی در این زمینه ها در اختیار مدیران قرار گیرد، می توانند تصمیمات درست تری نسبت به حضور پلیس زن در عرصه مبارزه با موادمخدر بگیرند.

در سؤال دوم از پاسخگویان پرسیده شد که در چه زمینه هایی از ورود پلیس زن به عرصه مبارزه با موادمخدر باید تحقیق صورت پذیرد؟ جواب ها به شرح جدول زیر بود:

جدول ۲: زمینه های نیازمند پژوهش از دید پاسخگویان

ردیف	زمینه های پژوهش	فراوانی	درصد
۱	شیوه های قاچاق مواد توسط زنان	۱۲	۶۰
۲	آسیب های احتمالی پلیس زن در مبارزه با موادمخدر	۱۸	۹۰
۳	توانمندی های مورد نیاز پلیس زن برای مبارزه (نیازهای مهارتی، آموزشی، اجتماعی)	۲۰	۱۰۰
۴	شیوه مبارزه زنان پلیس با زنان قاچاقچی مواد	۸	۴۰
۵	زمینه های کمک به زنان معتاد توسط پلیس	۵	۲۵

از بین اطلاعاتی که به نظر پاسخگویان برای تصمیم گیری در خصوص ورود زنان پلیس به عرصه موادمخدر لازم است، ۵ موضوع را نیازمند تحقیق دانستند. بیشترین تأکید پاسخگویان بر تحقیق در خصوص توانمندی های مورد نیاز پلیس زن برای ورود به این عرصه بود که به نیازهای مهارتی، آموزشی، اجتماعی و اخلاقی لازم توجه داشتند و ۱۰۰٪ پاسخگویان معتقد بودند که قبل از ورود زنان پلیس به عرصه مبارزه با موادمخدر باید این نیازها به صورت علمی شناخته و تأمین شود؛ سپس زنان پلیس اقدام کنند که از آسیب های احتمالی پلیس زن (اعم از آسیب های خانوادگی، اخلاقی، روحی و جسمی) در ورود به عرصه مبارزه با موادمخدر است و مورد تأکید ۱۸ نفر از پاسخگویان بود. آن ها معتقد بودند که ابتدا باید آسیب های احتمالی را شناخت و راه های پیشگیری از آن ها را پیش بینی کرد؛ سپس پلیس زن وارد این عرصه شود تا صدمه کمتری به او وارد شود.

شیوه های قاچاق موادمخدر توسط زنان تفاوت فاحشی با شیوه های متداول مردان دارد و لذا

شیوه شناخت و مبارزه با آن هم متفاوت است که لازم است زنان پلیس این روش‌ها را شناخته و با آگاهی و اطلاعات لازم وارد این عرصه شوند. از نظر ۱۲ نفر از پاسخگویان شناخت این شیوه‌ها نیازمند تحقیق و پژوهش است. شیوه‌های مبارزه با زنان قاچاقچی و زمینه‌های کمک به زنان معتاد توسط پلیس زن هم مورد تأکید برخی از پاسخگویان بود که نیازمند تحقیق است. حال با توجه به آنچه ذکر شده به روش پژوهش ترکیبی به سراغ تحقیقات انجام شده در حیطه موادمخدر می‌رویم تا مشخص شود که این تحقیقات به چه میزان پاسخگوی الزامات پژوهشی پلیس زن برای ورود به عرصه مبارزه با موادمخدر است و در چه زمینه‌هایی خلاء وجود دارد و باید تحقیقات صورت پذیرد. برای این کار براساس نظر کوپر باید به معیارهای ارتباط موضوعی که ذکر شد توجه کرد.

چنانچه آمد اطلاعات مربوط به تحقیقات و پایان‌نامه‌ها از دانشگاه علوم انتظامی به عنوان مکانی که زنان پلیس را آموزش می‌دهند و لازم است مهارت‌های موردنیاز را به آن‌ها آموزش دهند و نیز تحقیقات موجود در ستاد مبارزه با موادمخدر ریاست جمهوری که متولی امر تحقیق و پژوهش در این زمینه هم می‌باشد مورد بررسی قرار گرفت. ابتدا یافته‌های دانشگاه علوم انتظامی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

جدول ۳: ویژگی‌های پایان‌نامه‌های دانشگاه علوم انتظامی درباره موادمخدر

ردیف	موضوعات	فراوانی	درصد
۱	موضوعات مرتبط با موضوع مقاله	۹	۳۳/۴
۲	موضوعات تاحدودی مرتبط با مقاله	۵	۱۸/۵
۳	موضوعات غیرمرتبط با مقاله	۱۳	۴۸/۱
۴	جمع	۲۷	۱۰۰

چنانچه جدول فوق نشان می‌دهد از ۲۷ پایان‌نامه مرتبط با موادمخدر در دانشگاه علوم انتظامی فقط ۳۳/۴٪ مرتبط با موضوع مقاله هستند که البته هیچ کدام مرتبط با زنان پلیس یا اعتیاد زنان نیستند. ۱۸/۵٪ موضوعاتی است که تاحدودی مرتبط هستند مانند پیشگیری از موادمخدر، علت عدم دستگیری متهمین موادمخدر و موضوعات دیگر و ۴۸٪ هم که بیشترین درصد است،

ربطی به موضوع مقاله ندارند و به موضوعاتی مانند نقش سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن) در بازپروری معتادان گرایش به موادمخدر، اعتیاد و جرم، تغییر مواد سنتی به صنعتی و موضوعاتی شبیه به آن می‌باشد. چنانچه ذکر شد موضوعات مرتبط با مقاله ۹ پایان‌نامه بود که در جدول زیر می‌آید.

جدول ۴: موضوعات مرتبط با نیازهای لازم جهت ورود زنان پلیس به عرصه مبارزه با موادمخدر

ردیف	عنوان پایان‌نامه	سال	جامعه‌آماري	روش تحقیق
۱	حمل مواد به روش بلع و انباری	۱۳۸۰	۴۰ نفر از دستگیرشدگان	مصاحبه
۲	شیوه‌های انتظامی جلوگیری از ورود مواد به کشور	۱۳۸۷	افسران ناجا	پیمایشی
۳	کلاتتری و مقابله با موادمخدر	۱۳۸۷	پرسنل کلاتتری	پیمایشی
۴	آسیب‌ها و تهدیدات حفاظتی کارکنان	۱۳۸۹	پلیس	پیمایشی
۵	گرایش به اعتیاد (آسیب‌پذیری)	۱۳۸۶	پلیس	پیمایشی
۶	پلیس و مبارزه با قاچاق	۱۳۸۸	ناجا	پیمایشی
۷	روش‌های انتظامی مبارزه با ترانزیت	۱۳۸۵	ناجا	پیمایشی
۸	روش‌های مقابله با ورود موادمخدر	۱۳۸۷	ناجا	پیمایشی
۹	مقابله با قاچاق موادمخدر	۱۳۸۵	ناجا	پیمایشی

چنانچه جدول بالا نشان می‌دهد از ۹ موضوع مرتبط ۶ مورد آن مربوط به روش‌های مقابله پلیس با قاچاقچیان یا توزیع‌کنندگان موادمخدر است که البته هیچ‌کدام هم مربوط به پلیس زن نیست و از آنجا که روش مقابله پلیس زن به دلیل ویژگی‌های فیزیکی و روحی آنان و نیز مجرمان مورد نظر زنان پلیس که باید زنان باشند، بسیار متفاوت از مردان پلیس است؛ لذا همین‌بخش هم کفایت اطلاع‌رسانی درست به مسئولین برای تصمیم‌گیری را ندارد. دو مورد از موضوعات بالا مربوط به آسیب‌ها و تهدیدات کارکنان در مقابله با موادمخدر است که آن هم خاص زنان پلیس نیست و قطعاً آسیب‌های تهدیدکننده زنان پلیس متفاوت از آسیب‌های تهدیدکننده مردان است و باید مسئولین از آن‌ها کاملاً مطلع باشند تا بتوانند تصمیمات درستی در خصوص ورود زنان پلیس به این عرصه بگیرند و یک موضوع هم مرتبط با حمل مواد به روش

بلع و انباری بود که زنان قاچاقچی موادمخدر هم از این روش‌ها استفاده می‌کنند و می‌تواند برای شناخت پلیس زن از روش‌های حمل و انباری و بلع مفید باشد.

البته این تحقیقات در سال‌های اخیر هستند و زمان زیادی از انجام آن‌ها نگذشته و حداقل ۵ مورد آن‌ها در سه سال اخیر بوده است و لذا می‌توان به اطلاعات آن‌ها استناد کرد و هر چند شیوه‌های قاچاق و حتی نوع مواد مصرفی به سرعت تغییر می‌کند، ولی بهر حال موضوعات مفیدی هستند.

جامعه‌آماري تحقیقات فوق هم که بیشتر آن‌ها (۸ مورد از ۹ مورد) به روش پیمایشی است، مسئولین و کارکنان ناجایی مرتبط با موضوع بوده‌اند و فقط یک مورد که مصاحبه با دستگیرشدگان در خصوص موادمخدر بوده است، جامعه‌آماري غیر ناجایی است. البته چون بیشتر موضوعات مرتبط با روش مقابله است، شاید بهترین پاسخگویان هم افراد دست‌اندر کار در این زمینه یعنی پلیس باشد.

جدول ۵: ویژگی موضوعات تاحدودی مرتبط با نیازهای لازم جهت ورود زنان پلیس به عرصه مبارزه با موادمخدر

ردیف	موضوعات	سال	جامعه آماری	روش تحقیق
۱	اقدامات پیشگیرانه انتظامی در کنترل و مبارزه با موادمخدر	۱۳۸۷	شهروندان	پیمایشی
۲	پلیس و پیشگیری از جرایم موادمخدر	۱۳۸۶	پلیس	پیمایشی
۳	اعتیاد و جرم	۱۳۸۶	متهمین	پیمایشی
۴	پاداش و کشف موادمخدر	۱۳۸۷	پلیس	پیمایشی
۵	عدم دستگیری متهمین موادمخدر	۱۳۸۶	_____	توصیفی

جدول بالا هم نشانگر این است که جامعه‌آماري پنج موضوع تاحدودی مرتبط در دو مورد متهمان، ۲ مورد پلیس و یک مورد هم شهروندان بوده‌اند. روش تحقیق چهار تحقیق پیمایشی و یک مورد اسنادی و مراجعه به پرونده‌های تشکیل شده از متهمان بوده است. تحقیقات انجام شده هم مربوط به سال‌های ۸۶ و ۸۷ می‌باشد. بهر حال اگر چه این موضوعات برای شناخت پلیس زن از موادمخدر خوب است؛ ولی کمکی به تصمیم‌گیرندگان در این زمینه نمی‌کند.

چنانچه مطرح شد علاوه بر پایان نامه‌های موجود در دانشگاه علوم انتظامی، به تحقیقات و پایان نامه‌های موجود در ستاد مبارزه با مواد مخدر هم که به صورت رسمی متولی امر است و بخش تحقیقی و پژوهشی بسیار فعالی هم دارد مراجعه شد که نتایج بدست آمده به شرح جدول زیر است:

جدول ۶: ویژگی‌های تحقیقات موجود در ستاد مبارزه با مواد مخدر مرتبط با زنان

ردیف	موضوعات	فراوانی	درصد
۱	موضوعات مرتبط با موضوع مقاله	۲۴	۱/۸
۲	موضوعات تاحدودی مرتبط با موضوع مقاله	۱۰۶	۸/۲
۳	موضوعات غیر مرتبط با مقاله	۱۱۶۴	۹۰/۰
۴	جمع	۱۲۹۳	۱۰۰

چنانچه جدول فوق نشان می‌دهد از بین ۱۲۹۳ طرح و پایان نامه موجود در سایت ستاد مبارزه با مواد مخدر، فقط ۲۴ مورد (۱/۸٪) به نحوی مرتبط با موضوع مقاله بود؛ یعنی مرتبط با پلیس و مبارزه با مواد مخدر یا ویژگی‌های زنان معتاد بود که آن هم با هدف‌های دیگری غیر از بکارگیری پلیس زن در این امر بوده و قطعاً نتایج آن کمک‌زیادی به تصمیم‌گیرندگان در خصوص ورود زنان پلیس به عرصه مبارزه با مواد مخدر نمی‌نماید. ۱۰۶ مورد (۸/۲٪) هم از تحقیقات تاحدودی مرتبط بودند که شامل تحقیقات مرتبط با زنان معتاد، نقش اعتیاد بر خانواده، آسیب‌های کودکان و فرزندان خانواده‌های معتاد و نیز جرم و مواد مخدر بود. مابقی موضوعات هم اصلاً ربطی به موضوع مقاله نداشت. برای آگاهی از میزان مفید بودن تحقیقات و پایان نامه‌های مرتبط با موضوع تحقیق عناوین موضوعات در جدول زیر آورده می‌شود:

جدول ۷: تحقیقات و پایان نامه های مرتبط
با موضوع مقاله موجود در ستاد مبارزه با موادمخدر

ردیف	موضوعات	سال	پدیدآورنده
۱	بررسی ویژگی های روانی، اجتماعی زنان معتاد به موادمخدر	۱۳۶۷	حاجی عسگر
۲	بررسی ویژگی های روان شناختی زنان معتاد به موادمخدر	۱۳۸۱	میرزاجانی
۳	بررسی و مقایسه ویژگی های شخصیتی زنان معتاد در مقایسه با زنان عادی	۱۳۸۲	مهرعلی
۴	بررسی رابطه بین طول مدت اعتیاد و برخی ویژگی های اجتماعی زنان معتاد	۱۳۸۱	شیرزاد
۵	بررسی ابعاد مختلف در معتادین زن ساکن شهر تهران در مطالعه کیفی - کمی چند مرکز استان	۱۳۸۸	علوم پزشکی تهران
۶	مقایسه ویژگی های شخصیتی و هیجان خواهی در مردان و زنان معتاد و عادی	۱۳۸۸	فخرایی
۷	مقایسه شخصیت زنان معتاد (زندانی) با شخصیت زنان غیرمعتاد	۱۳۸۵	متولی
۸	راه های مبارزه با قاچاق مواد مخدر در حقوق داخلی و اسناد بین المللی	۱۳۸۳	فیروزیان
۹	اقدامات سازمان آکو در رابطه با مبارزه با موادمخدر	۱۳۸۳	محتشمی زاده
۱۰	بررسی ماهوی و شکلی قانون مبارزه با موادمخدر مصوب ۱۳۶۷ و اصلاحیه ۱۳۶۷ براساس مبانی شرعی و اصول کلی حقوق جزا	۱۳۸۴	هاشمی زاده
۱۱	بررسی عملکرد نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران در مبارزه با موادمخدر	۱۳۸۵	قدیمی
۱۲	بررسی شیوه های مؤثر مقابله با قاچاق موادمخدر در حوزه فرماندهی انتظامی استان هرمزگان در سال ۱۳۸۶	۱۳۸۸	بامشاد
۱۳	بررسی عملکرد پلیس در مبارزه با موادمخدر صنعتی منطقه غرب تهران	۱۳۸۶	غلامیان
۱۴	بررسی عوامل مؤثر بر کشف موادمخدر در ایست و بازرسی های فرماندهی انتظامی شهرستان ناباد در سال ۱۳۸۷	۱۳۸۹	رفیعی
۱۵	بررسی روش های انتظامی مبارزه با ترانزیت موادمخدر در فرماندهی انتظامی استان خراسان جنوبی سال ۱۳۸۵	۱۳۸۷	کاشفی
۱۶	همکاری های بین المللی در مبارزه با موادمخدر	۱۳۸۸	منصور خانی
۱۷	ارزشیابی مانورهای مبارزه با قاچاق موادمخدر و اعتیاد	۱۳۷۲	ابراهیم پور

۱۸	راه‌های مبارزه با قاچاقچیان موادمخدر در استان بوشهر	۱۳۷۷	ب.ع
۱۹	تأثیر اعدام در روند مبارزه با موادمخدر در استان کرمان	۱۳۶۷	ریاست جمهوری
۲۰	تأثیر روند اعدام و روند مبارزه با موادمخدر از دیدگاه مردم	۱۳۶۹	ناجا
۲۱	بررسی تأثیر آموزش‌های مبارزه با موادمخدر بر آگاهی، تغییر نگرش و علایق نوسوادان گروه‌های پیگیر	۱۳۷۸	نهیضت سواد آموزی
۲۲	تعاون جزایی بین‌المللی در زمینه مبارزه با جرایم موادمخدر	—	رحمدل
۲۳	نظرسنجی از شهروندان تهرانی دربارهٔ مبارزه با موادمخدر و اعتیاد	۱۳۷۷	سنجش افکار
۲۴	مبارزات بین‌المللی با موادمخدر و نقش دولت ایران در این باره	۱۳۴۶	ممتازی

چنانچه جدول فوق نشان می‌دهد از ۲۴ مورد تحقیق موجود در ستاد مبارزه با موادمخدر که به نحوی با موضوع مقاله مرتبط است، ۷ مورد در رابطه با ویژگی‌های روانی-اجتماعی زنان معتاد است که در شناخت پلیس زن از زنان معتاد کمک خوبی می‌کند، یک مورد در خصوص عوامل مؤثر بر کشف موادمخدر است (موضوع شماره ۱۴) که اطلاعات این تحقیق هم می‌تواند به زنان پلیس کمک کند که چگونه می‌توانند موادمخدر را کشف کنند (البته به نظر می‌رسد که زنان پلیس باید به کشف موادمخدر توسط حاملان زن اقدام کنند). سه موضوع از تحقیقات انجام شده نیز در رابطه با تأثیر اعدام در مبارزه با موادمخدر و تأثیر آموزش بر این امر است و مابقی موارد مرتبط با روش‌های مبارزه با موادمخدر با قوانین مرتبط با آن است که به هر حال برای شناخت پلیس زن برای مبارزه با موادمخدر لازم است، همچنین تصمیم‌گیرندگان در این زمینه هم می‌توانند با توجه به این روش‌ها و ضرورت وجود پلیس زن در این عرصه تصمیم لازم را بگیرند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

هدف مقاله حاضر شناخت الزامات پژوهشی برای ورود زنان پلیس به عرصه مبارزه با موادمخدر

و روان‌گردان بود که با سؤال از نخبگان پژوهشی دانشگاه مشخص شد که تصمیم‌گیرندگان در این زمینه اگر بخواهند از طریق روش علمی تحقیق به تصمیم برسند، باید در ۹ مورد اطلاعات لازم داشته باشند تا بتوانند به تصمیم درستی در این زمینه برسند. از این ۹ مورد، ۵ مورد آن نیازمند انجام تحقیق و پژوهش می‌باشد؛ از جمله در زمینه شیوه‌های قاچاق توسط زنان، آسیب‌های احتمالی پلیس زن در مبارزه با موادمخدر، توانمندی‌های لازم پلیس زن، شیوه‌های مبارزه و نیز زمینه‌های کمک پلیس زن به زنان معتاد. برای کسب اطلاعات لازم به مرکز دانشگاه علوم انتظامی به دلیل وظیفه آموزش پلیس زن و ستاد مبارزه با موادمخدر به دلیل متولی بودن این امر در کشور مراجعه و تحقیقات مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که از کل ۱۳۲۰ تحقیق و پایان‌نامه مرتبط با موادمخدر در این دو مرکز تنها ۳۳ مورد به‌نحوی مرتبط با موضوع می‌باشند که آن هم بیشتر در خصوص ویژگی‌های زنان معتاد، روش‌های مقابله با ورود، قاچاق و ترانزیت موادمخدر و یک مورد هم شیوه‌های حمل موادمخدر به روش بلع و انباری و یک مورد هم آسیب‌های پلیس در این زمینه بود.

در کل می‌توان گفت از نیازهای پژوهشی مورد نظر برای تصمیم‌گیری در خصوص چگونگی ورود زنان پلیس به این عرصه، فقط در خصوص شیوه‌های مبارزه زنان پلیس با زنان قاچاقچی مواد و شیوه‌های قاچاق مواد توسط زنان تحقیقات مورد نیاز موجود است و می‌توان از اطلاعات آنان بهره گرفت و در خصوص سایر موضوعات مورد نیاز از جمله آسیب‌های احتمالی پلیس زن در مبارزه با موادمخدر، توانمندی‌های آموزشی، مهارتی، اجتماعی و اخلاقی لازم پلیس زن برای ورود به این عرصه و زمینه‌های کمک به زنان معتاد توسط پلیس زن هیچگونه تحقیقی صورت نگرفته و باید در این عرصه‌ها هم اطلاعات لازم جمع‌آوری شود؛ لذا پیشنهادات زیر برای تصمیم‌گیرندگان در خصوص ورود پلیس زن به عرصه مبارزه با موادمخدر ارائه می‌شود.

پیشنهادها

۱. دانشگاه علوم انتظامی متولی امر آموزش و تربیت زنان پلیس است باید به صورت برنامه‌ریزی شده تحقیقاتی را در خصوص توانمندی‌های مورد نیاز پلیس زن برای مبارزه با

موادمخدر انجام دهد و ضمن ارسال نتایج حاصل از این تحقیقات به مسئولین برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری برای زنان پلیس، جهت آموزش‌های لازم ایجاد مهارت‌های و توانمندی‌های لازم پلیس‌های موادمخدر اقدام نماید.

۲. معاونت مبارزه با موادمخدر ناجا با تهیه فیلم‌های آموزشی مبتنی بر واقعیت، شیوه‌های قاچاق موادمخدر توسط زنان را تهیه و جهت آموزش زنان پلیس به دانشگاه ارائه نماید.
 ۳. بازرسی ناجا در چند پروژه تحقیقاتی اقدام به شناسایی آسیب‌های احتمالی زنان پلیس در ورود به عرصه موادمخدر نماید. در این زمینه عقیدتی - سیاسی ناجا و نیز حفاظت - اطلاعات هم می‌توانند مرتبط با حیطة وظیفه خود تحقیقاتی در این زمینه انجام داده و نتایج آن را به مسئولین و تصمیم‌سازان ناجا ارائه دهند تا در تصمیم‌گیری‌ها مورد توجه قرار گیرد.

۴. همچنین معاونت مبارزه با موادمخدر ناجا می‌تواند تحقیقاتی را در خصوص شیوه‌های خاص پلیس زن در مبارزه با زنان قاچاقچی موادمخدر و نیز زمینه‌های مورد نیاز کمک زنان پلیس به زنان معتاد انجام دهد تا از نتیجه آن وظایف زنان پلیس آشکار شده و تصمیم‌گیرندگان در این زمینه هم بتوانند بهره‌مند شوند.

۵. دانشگاه علوم انتظامی با هدایت دانشجویان ارشد جهت انتخاب موضوعات تحقیقاتی مورد نیاز برای ورود زنان پلیس به عرصه مبارزه با موادمخدر در موضوع پایان‌نامه اقدام کند تا ادبیات لازم در این زمینه فراهم شود.

منابع:

- ادواردز، جک ئی و تامس، ماری دی و رزن فلد، پل و کیولی، استفانی بوث. (۱۳۷۹) تحقیق پیمایشی راهنمای عمل. ترجمه: محمد اعرابی و داوود ایزدی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- جوادین، سیدرضا. (۱۳۸۶) نظریه‌های عمومی سازمان و مدیریت، رشته‌های مدیریت اجرایی و MBA. تهران: نگاه دانش.

- حسینی، سید حمید. (۱۳۸۲) معنای لغوی تحقیق. برگرفته شده از سایت روش تحقیق.
- سایت ویکیپدیا. <http://fa.wikipedia.org>
- سعدی، محمدرضا. (۱۳۸۵) نظریه‌های سازمان و مدیریت. تهران: نشر آن.
- کاظم، محمد. (۱۳۸۱) مدیران فهیم و مفاهیم اساسی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کوپر، هریس ام. (۱۳۸۵) پژوهش ترکیبی. ترجمه: محمدعلی حمید رفیعی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- هابرماس، یورگن. (۱۳۷۳) رسالت دانشگاه در جامعه مدرن. ترجمه: حسینعلی نوروزی. رهیافت، شماره ۶، بهار.
- Agarwal. R.D. (1982). Organizing And Management. New Delhi : Tata McGraw Hill Publishing Company Limited.
- Greenlaw, J. S. (1972). The use of sawdust piles by nesting Bank Swallows. Wilson Bull.
- Murdic, R.G. & Rose, J.E. (1983) "Information System for Modern Management", Prentice Hall India.
- Price, D. (1965) Networks of scientific papers. Science, 149.
- Stiner, M., G. Arsebük, F. C. Howell, (1996). "Cave Bears and Paleolithic Artifacts in Yarimburgaz Cave, Turkey: Dissecting a Palimpsest", *Geoarchaeology* 11327-4:279/